



## مزیت سنجی قدرت های منطقه ای حوزه پاسیفیک و اهمیت آنها برای ایالات متحده آمریکا

آیدا جوادی یاجلو

دانشجوی کارشناسی ارشد دانشگاه تهران

### چکیده

به منظور ارتقای رقابت استراتژیک با چین، ایالات متحده به شدت مکانیسم های «کوین جانبه» موضوع محور را در منطقه آسیا-پاسیفیک ایجاد کرده است، مانند مکانیسم چهارجانبه ایالات متحده-ژاپن-هند-استرالیا، ایالات متحده-بریتانیا-مشارکت امنیتی سه جانبه استرالیا و همکاری سه جانبه ایالات متحده-ژاپن، کره جنوبی منتظر است. این نوع مکانیسم بسیار هدفمند، متقابل دامنه و مقیاس پذیر است، ایالات متحده در تلاش است تا یک ساختار شریک چند سطحی، شبکه ای و تودرتو برای اجرای رویارویی مبتنی بر اردوگاه و مهار ترکیبی علیه چین ایجاد کند. ایالات متحده همچنین تلاش می کند از این امر برای شکل دادن به برداشت کشورهای مربوطه از چین، ادغام استراتژی های همه طرف ها در قبال چین، ترویج تحقق اهداف چندگانه سیاست مانند بازدارندگی امنیتی، تغییر شکل زنجیره تامین، رقابت تکنولوژیک، سرکوب ایدئولوژیک و غیره استفاده کند. و همچنین بر محیط امنیتی و توسعه منطقه آسیا پاسیفیک و همچنین تأثیر نفوذ چین در زنجیره صنعتی و نوآوری منطقه تأثیر می گذارد. با توجه به این موضوع، چین باید ارتباطات راهبردی خود را با کشورهای منطقه آسیا پاسیفیک افزایش دهد، ساختار همکاری منطقه ای را با محوریت آسه آن حفظ کند، و به طور موثر با اثرات پراکنده، اردوگاه وار و ناتو مانند نیروهای تحت رهبری آمریکا مقابله کند. مکانیسم "کوچک" در نظم منطقه ای مطرح می شود. پژوهش حاضر از نوع توصیفی، تحلیلی، کاربردی و با استفاده از مقالات پژوهشی، مصاحبه های سیاستمداران و پژوهشگران حوزه پژوهشی می باشد.

**کلمات کلیدی:** استراتژی هند و اقیانوس آرام، روابط چین و آمریکا، دیپلماسی همسایگی چین.

## مقدمه

مزیت منطقه ای به شرایط مساعد ویژه ای اطلاق می شود که یک منطقه در یک یا چند عامل طبیعی، اقتصادی، فناوری، مدیریتی و اجتماعی در فرآیند توسعه اقتصادی خود دارد که باعث رقابت پذیری منطقه با بهره وری بالاتر از منابع، کارایی کلی می شود منطقه در سطح بالایی باقی مانده است. پیش فرض وجود مزیت های منطقه ای تفاوت های منطقه ای است. آسیا پاسیفیک کلان منطقه ای است که سواحل غربی اقیانوس آرام را در بر می گیرد و شامل تمام کشورهای آسیای شرقی و جنوب شرقی و دو کشور بزرگ استرالیا و نیوزلند و هندوستان بزرگ است. مزیت منطقه ای قبل از هر چیز یک مفهوم جهانی است، زیرا بدون هماهنگی و حمایت همه جانبه خارج از منطقه نمی توان از مزیت های منطقه ای استفاده کرد و حتی ممکن است مزیت های منطقه ای به معایب تبدیل شود. این بدان معناست که ما باید به عوامل سودمند متقابل بین مناطق توجه داشته و یک الگوی منطقی از تقسیم کار و همکاری منطقه ای شکل داد. اعمال مزیت های منطقه ای باید به هر دو بازار در منطقه و خارج از منطقه متکی باشد. این امر نه تنها مستلزم آشنایی با شرایط، مزایا و معایب خود منطقه، بلکه توجه به رابطه بین مناطق و روندهای متغیر پیشینه اقتصادی کلان منطقه است که این ماهیت کلی مزیت های منطقه است. ( مزایای سیاست. سیاست های منطقه ای نه تنها شامل سیاست های خود هر منطقه می شود، بلکه روابط بین دولت مرکزی و دولت های محلی و بین دولت های محلی را نیز در بر می گیرد. بنابراین، مزایا و معایب سیاست های منطقه ای را می توان از دو جنبه سنجید. مزایای سیاست منطقه ای عمدتاً شامل مزایای بهره مندی از سیاست های ترجیحی ملی، مزایای اثر منطقه ای سیاست های ملی و مزایای سیاست های توسعه مستقل منطقه ای است.

در سال های اخیر، ایالات متحده به منظور ترویج به اصطلاح رقابت استراتژیک با چین، توجه بیش از پیش به "تشکیل اتحاد"، تلاش برای ایجاد "اردوگاه چند جانبه" با ویژگی های موضوع محور و ایجاد یک انعطاف پذیری بیشتر داشته است. و سیستم شریک اتحاد متقابل تودرتو. به طور خاص، ایالات متحده تلاش ها را برای کنار هم قرار دادن مکانیسم های مختلف «مینی جانبه» در منطقه آسیا و اقیانوسیه، مانند مکانیسم چهارجانبه بین ایالات متحده، ژاپن، هند و استرالیا (QUAD)، ایالات متحده افزایش داده است. و همکاری امنیتی سه جانبه استرالیا (AUKUS)، ایالات متحده، ژاپن و استرالیا، و همکاری های سه جانبه ایالات متحده، ژاپن و کره جنوبی. ایالات متحده همچنین از ناتو و متحدان اروپایی اش می خواهد تا روابط خود را با سازوکار "کوچک" آسیا و اقیانوسیه تعمیق بخشند و پیوند بین دو صفحه اصلی ژئوپلیتیک اروپا و "هند-اقیانوس آرام" را تقویت کنند تا راهبرد خود را در این زمینه اجرا کنند. چین و روسیه و راهبردهای مهار دوگانه کمک می کنند. ایالات متحده امیدوار است از سازوکار "کوچک" آسیا-اقیانوسیه برای شکل دادن به برداشت کشورهای مربوطه از چین، ادغام استراتژی های چین همه طرف ها، و ارتقای تحقق اهداف سیاستی چندگانه مانند بازدارندگی امنیتی، تغییر شکل زنجیره تامین، رقابت فناوری، استفاده کند. و سرکوب ایدئولوژیک تأثیر پیچیده فشار ایالات متحده برای ایجاد یک مکانیسم "کوچک" در آسیا و اقیانوسیه بر محیط راهبردی اطراف چین، شایسته توجه زیادی است.

در کرانه شرقی اقیانوس آرام که کشورهای آمریکای شمالی و جنوبی قرار دارند، آمریکا به دلیل قدمت حضور خود در منطقه پاسیفیک به همکاری و رقابت ژئوپلیتیکی با بازیگران این منطقه مشغول است. هدف این مقاله بررسی مزیت سنجی قدرت منطقه ای ایالات متحده آمریکا در این منطقه و بررسی روابط آمریکا با قدرت های مهم منطقه از جمله چین، هند، ژاپن، کره جنوبی، استرالیا و چالش های ایالات متحده در این منطقه اشاره شده است.

## قدرت های منطقه ای

قدرت های منطقه ای بر سیاست جهانی در قرن بیست و یکم تأثیر می گذارند. با این حال، بحران های اقتصادی و سیاسی داخلی، توانایی های لازم قدرت های منطقه ای و تغییرات ساختاری گسترده را زیر سؤال می برند. اغلب انتظار می رود قدرت های منطقه ای سهم قابل توجهی در حفظ نظم منطقه ای و جهانی داشته باشند. در سطح منطقه ای، هدف آنها تضمین ثبات و همکاری موثر در جهانی است که به طور فزاینده ای برای اداره آن دشوار می شود. در واقع، نتایج نفوذ منطقه ای متفاوت است. قدرت های منطقه ای در مورد سیاست



های جهانی و منطقه ای خود با انتظارات متناقضی روبرو هستند. موقعیت آنها در رابط بین سیاست منطقه ای و جهانی آنها را با چالش های خاصی روبرو می کند. این اغلب منجر به تصمیمات سیاست خارجی مردد یا گاهی متناقض می شود. قدرت های جدید و سنتی منطقه ای نیز با چالش های داخلی جدی مانند رکود شدید اقتصادی، فساد و ضعف دولت در بسیج منابع روبرو هستند. برخی از دولت ها نیز خود را در معرض تقویت جنبش های پوپولیستی یا حتی گرایش های اقتدارگرایانه رو به رشد می بینند. این فرآیندها منجر به ناپیوستگی در سیاست خارجی می شود و به دلیل غیرقابل پیش بینی بودن، هم برای پژوهش و هم برای سیاست چالشی ایجاد می کند با این وجود، مفهوم «قدرت منطقه ای» همچنان یک ابزار تحلیلی مهم است. این کمک می کند تا با تمرکز بر بعد منطقه ای سیاست بین الملل، برخی از تحولات ذکر شده قابل درک باشد. جایگاه یک قدرت منطقه ای مانع از آن نیست که یک قدرت در حال ظهور یا حتی یک قدرت بزرگ در سطح جهانی باشد.

### انواع مرحله مزیت های منطقه ای

۱- **مزیت نسبی.** مزیت نسبی به شرایط مساعدی ویژه ای اطلاق می شود که یک منطقه در فرآیند توسعه خود نسبت به هدف معینی دارد، چه به صورت موقوفات طبیعی (موقعیت، منابع طبیعی) و چه به عنوان موقوفات اکتسابی (منابع اقتصادی، منابع اجتماعی و ...). مزیت نسبی منطقه ای دارای ویژگی های زیر است: ① مزیت نسبی، نسبی است، یعنی مزیت نسبی یک منطقه تنها از طریق مقایسه با مناطق دیگر آشکار می شود. مزیت یک منطقه سطح پایین لزوماً یک مزیت نسبت به یک منطقه سطح بالاتر نیست. بنابراین، بدون چارچوب مرجع سایر مناطق و کل سیستم منطقه ای، داشتن مزیت نسبی منطقه ای دشوار است. ② مزیت نسبی متغیر است. از آنجایی که شرایط تشکیل دهنده مزیت های نسبی منطقه ای دائماً در حال تغییر است، با توسعه اجتماعی و اقتصادی، برخی از شرایط مساعد به تدریج به شرایط عمومی یا حتی شرایط نامطلوب برای توسعه اقتصادی منطقه تبدیل می شوند و برخی از شرایط عمومی یا شرایط نامساعد نیز ممکن است به شرایط مساعد تبدیل شوند و در نتیجه ایجاد شوند. یک مزیت نسبی برای توسعه اقتصادی منطقه است. ③ مزیت های نسبی دارای ویژگی های دوگانه از ویژگی های منطقه ای و بین منطقه ای است. تا آنجا که به فضای وابسته خاص مربوط می شود، مزیت نسبی یک منطقه متعلق به این منطقه است و نه هیچ منطقه دیگری، اما از نظر اهمیت و تأثیرگذاری، مزیت نسبی یک منطقه از محدوده این منطقه فراتر خواهد رفت. دارای اهمیت فرامنطقه ای است. این همچنین به این معنی است که توسعه اقتصادی منطقه ای باید آگاهی فرامنطقه ای را ایجاد کند، نه اینکه به دنبال همه چیز باشد، بلکه به دنبال استفاده باشد.

۲- **مزیت رقابتی.** مزیت رقابتی منطقه ای را می توان از دو سطح درک کرد: مزیت رقابتی سطح پایین یک "مزیت رقابتی کم هزینه" و مزیت رقابتی سطح بالا یک "مزیت رقابتی تمایز محصول" است. منابع مزیت رقابتی کم هزینه معمولاً شامل جنبه های زیر می شود: مزیت های منابع ویژه (هزینه های کمتر نیروی کار و مواد خام)، فناوری های تولید و روش های تولیدی که سایر رقبای می توانند با هزینه های کمتر به دست آورند، و توسعه صرفه جویی در مقیاس و غیره. مزیت رقابتی تمایز محصول مبتنی بر سرمایه گذاری مستمر و نوآوری در تجهیزات، فناوری، مدیریت و بازاریابی برای ایجاد محصولات متمایز است که نیازهای مشتری را بهتر برآورده می کند.

### قدرت های منطقه ای: یک مفهوم در حال تحول

دومین روند مهم در رابطه با قدرت های منطقه ای، که به برخی از جنبه های ذکر شده مربوط می شود، گسترش «جهان موارد» است (یعنی همه کشورهایی که این مفهوم در مورد آنها اعمال می شود). قابلیت های قدرت رو به رشد و افزایش فعالیت های سیاسی کشورهایی مانند ترکیه، نیجریه، عربستان سعودی و ایران، گنجانیدن آنها در دسته قدرت های منطقه ای را ایجاب می کند - و در واقع مجموعه رو به رشدی از ادبیات این مقوله تحلیلی را در مورد آنها به کار برده است<sup>۱</sup> در عین حال، کشورهایی که در اصل هسته اصلی ادبیات قدرت های منطقه ای بودند - به ویژه هند، برزیل و آفریقای جنوبی - نه تنها به قدرت های رو به رشد در سیاست جهانی تبدیل شده اند، بلکه بازیگران مهمی در مناطق خود باقی مانده اند. به همین دلیل، ما باید به مطالعه آنها به عنوان "قدرت های منطقه ای" در مورد تعامل آنها با

<sup>1</sup>Meg Keen, "Infrastructure for Influence: Pacific Islands Building Spree", The Interpreter, 31 October 2023,



همسایگان منطقه ای خود، صرف نظر از "ظهور" آنها در سطح جهانی ادامه دهیم. اصطلاح "قدرت های منطقه ای" گاهی اوقات توسط سیاستمداران به عنوان یک برچسب تحقیرآمیز استفاده می شود - به این فکر کنید که پرزیدنت اوباما روسیه را به عنوان "قدرت منطقه ای" در سال ۲۰۱۴ رد کرد. ما به نفع استفاده از "قدرت های منطقه ای" به عنوان یک مقوله تحلیلی بحث می کنیم. برای به دست آوردن موقعیت منطقه ای چنین کشورهایی، صرف نظر از نفوذ جهانی آنها. حتی ایالات متحده را می توان یک قدرت منطقه ای در آمریکای شمالی دانست و در عین حال آشکارا یک قدرت بزرگ با نفوذ و نفوذ جهانی است. با توجه به اینکه قدرت منطقه ای یک مفهوم در حال تحول است، چه عناصر تشکیل دهنده ای برای طبقه بندی به عنوان یک قدرت منطقه ای وجود دارد؟ اجماع گسترده ای وجود دارد که شرط لازم برای «قدرت» منطقه ای این است که این دولت ها از نظر منابع ارزشمند در رابطه با سایر دولت های یک منطقه جغرافیایی قدرتمند باشند. با این حال، در برخی موارد، چنین انتساب منطقه ای فوری نیست، زیرا قدرت های منطقه ای می توانند به مناطق مختلف تعلق داشته باشند.

تحقیقات در مورد قدرت های منطقه ای مدت ها است که بر تعاریف و طبقه بندی ها متمرکز بوده است تا مشخص شود که یک کشور به چه میزان قدرت نسبی نیاز دارد تا به عنوان یک قدرت منطقه ای در نظر گرفته شود. چنین تحقیقاتی بر توانایی های نظامی و اقتصادی لازم برای تبدیل شدن به یک قدرت منطقه ای متمرکز شده است. جایگاه یک قدرت منطقه ای در نهایت از طریق شناخت توانمندی های قدرت برتر قدرت منطقه ای توسط سایر دولت های منطقه اعطا می شود. اما چنین به رسمیت شناختن موقعیت قدرت منطقه ای با پذیرش نقش رهبری منطقه ای برابری نمی کند. برتری صرف از نظر قابلیت های قدرت نه تنها به طور خودکار به رهبری منطقه ای تبدیل نمی شود بلکه باعث ایجاد مقاومت در برابر قدرت منطقه ای از سوی دیگر کشورهای منطقه می شود. در مجموع، اجماع خاصی در مورد عناصر اصلی لازم برای تعریف یک قدرت منطقه ای وجود دارد. در حالی که برخی از نویسندگان اراده رهبری و رهبری منطقه ای را در این تعریف گنجانده اند، به نظر می رسد که تمایز بین وضعیت یک قدرت منطقه ای و برخی نقش های رهبری و همچنین عدم تمایل به رهبری حتی مهم تر از آن، «قدرت منطقه ای» باید به عنوان مقوله ای تحلیلی استفاده شود که در مقابل طبقه بندی های دیگر مانند قدرت بزرگ یا قدرت در حال ظهور، متقابل نیست<sup>۲</sup>

### قدرت های منطقه ای و تلاش های "ریسک گریزی" در منطقه پاسیفیک

در حالی که کشورهایی مانند ژاپن، استرالیا و فیلیپین در حال تحکیم اتحاد خود با ایالات متحده هستند، به نظر می رسد قدرت های بزرگی مانند هند سیاست خارجی نزدیک به ایالات متحده اما بی طرف را دنبال می کنند. در واقع، تنها وجه بارز سیاست خارجی کشورهایی مانند ژاپن و استرالیا، اتحاد تاریخی است که با آمریکا ایجاد شده است. به همین دلیل می توان گفت که محدوده مانور وسیعی ندارند. می توان گفت که سایر کشورهای منطقه آسیا و اقیانوسیه در راستای رقابت آمریکا و چین در حال خوشه بندی هستند و رویکرد ریسک گریزتری را دنبال می کنند. می توان گفت رقابت بین دو کشور عمیق تر شده و تنش در سال ۲۰۲۴ ادامه خواهد داشت. بدیهی است که وارد دوره ای شده ایم که در آن نقاط شعله ور مانند تایوان و دریای چین جنوبی همچنان مهم باقی خواهند ماند، اما درگیری احتمالی انتظار نمی رود و هر دو کشور به تشدید فعالیت های نظامی خود ادامه می دهند. تحولاتی مانند تبدیل شدن کره شمالی به یک مرکز بحران احتمالی ممکن است به منصف ظهور برسد. آنچه قابل توجه است این است که در حالی که ایالات متحده به تجهیز نظامی تایوان ادامه می دهد، چین در حال افزایش نوسازی و شدت نظامی خود در منطقه است.

به نظر می رسد که مشخصه ژئوپلیتیک جهانی در دوره آتی افزایش درگیری ها خواهد بود. به همین دلیل، می توان انتظار داشت که فضای جدید جنگ سرد عمیق تر شود و دو قطبی سازی افزایش یابد. می توان گفت که اتحاد اعلام نشده چین و روسیه بیشتر توسعه خواهد یافت و این ممکن است نقش مهمی در جدایی جهانی داشته باشد. از سوی دیگر می توان پیش بینی کرد که دوره ای رخ خواهد داد که در آن قدرت های متوسط می توانند به صورت منطقه ای به میدان بیایند.

<sup>2</sup>Alexandre Dayant, Riley Duke, Gilliane De Gorostiza, and Roland Rajah, Pacific Aid Map 2023, Key Findings Report, (The Lowy Institute: Sydney, 2023)



ما می دانیم که ایالات متحده برای متحدان آسیای شرقی خود اصطلاحی به نام "بازدارندگی گسترده" دارد. در ترکیب با موضوع "سه ابتکار بزرگ جهانی" و ساخت جامعه آسیا-اقیانوسیه با آینده مشترک، کشورهای جزیره اقیانوس آرام مکان بسیار خوبی برای تمرین "سه ابتکار بزرگ جهانی" و ایجاد هستند. جامعه آسیا و اقیانوسیه با آینده مشترک مطرح می شود. بنابراین، چگونه «سه ابتکار مهم جهانی» خود را بهتر اجرا کنیم؟ ما همچنین باید به دو نکته توجه کنیم، یکی کاری که ایالات متحده انجام داده است، و دیگری درک منافع، نگرانی ها و نیازهای واقعی کشورهای جزیره ای اقیانوس آرام. تنها با درک این دو جنبه می توان «سه ابتکار بزرگ جهانی» ما، از جمله ساخت جامعه آسیا-اقیانوسیه با آینده ای مشترک، بهتر اجرا کرد.

از منظر پس زمینه، مطرح است که سال ۲۰۲۴ اولین سالی خواهد بود که کشورهای جزیره اقیانوس آرام در رقابت قدرت های بزرگ یا بازی های ژئوپلیتیک شرکت می کنند. چرا؟ در آوریل ۲۰۲۰، چین و جزایر سلیمان به طور رسمی یک توافقنامه چارچوب همکاری امنیتی دوجانبه را امضا کردند. و غیره دغدغه های ملی. به دلیل ممانعت از پشت صحنه این کشورها، چین در ماه می همان سال موفق به امضای قرارداد تجاری و امنیتی با کشورهای جزیره ای اقیانوس آرام نشد. از آن زمان، شرکای سنتی کشورهای جزیره ای اقیانوس آرام، به رهبری ایالات متحده، تلاش های قابل توجهی را برای گسترش حضور اقتصادی، حضور امنیتی و نفوذ سیاسی خود در کشورهای جزیره ای اقیانوس آرام به صورت همه جانبه آغاز کرده اند که باعث کمک های منطقه ای شده است. رقابت از طریق برخی از روش های کمک. آنچه آنها می خواهند به آن برسند اجرای "استراتژی انکار" علیه چین در کشورهای جزیره ای اقیانوس آرام است که چالش های زیادی را نیز برای چین به همراه دارد.

#### استراتژی پوشش ریسک پذیرفته شده توسط ایالات متحده در منطقه جزایر پاسیفیک

با قضاوت از توسعه روابط بین ایالات متحده و کشورهای جزیره اقیانوس آرام از سال ۲۰۲۲، این کشور یک استراتژی پوشش ریسک با چین اتخاذ کرده است. اول اینکه آمریکا یک برنامه کلان استراتژیک در سه جهت در این منطقه طراحی کرده است. ابتدا، از جهت خود ایالات متحده، در ۲۰۲۲، آژانس توسعه بین المللی ایالات متحده "چارچوب استراتژیک کشورهای جزیره اقیانوس آرام (۲۰۲۲-۲۰۲۷)" را راه اندازی کرد. دوم از دیدگاه متحدان ایالات متحده در ژوئن ۲۰۲۲، ایالات متحده ابتکار "مشارکت اقیانوس آرام آبی" را با استرالیا، ژاپن، نیوزیلند و بریتانیا برای تقویت تماس و همکاری در زمینه هایی مانند تغییرات آب و هوایی، دریایی راه اندازی کرد. امنیت، و سلامتی سوم تقویت روابط مستقیم بین ایالات متحده و کشورهای جزیره اقیانوس آرام است. در سپتامبر ۲۰۲۲، ایالات متحده اولین اجلاس سران کشورهای جزیره اقیانوس آرام را برگزار کرد و رهبران کشورهای جزیره اقیانوس آرام را به واشنگتن دعوت کرد و همچنین اولین "استراتژی مشارکت کشورهای جزیره اقیانوس آرام" را منتشر کرد.

دوم، ایالات متحده باید دیپلماسی خود را در کشورهای جزیره اقیانوس آرام بازسازی کند. جزئیات خاص عبارتند از: ایالات متحده اولین نماینده ویژه ایالات متحده در مجمع جزایر اقیانوس آرام را در سال های اخیر ایجاد کرده است، ایالات متحده سفارت خود را در جزایر سلیمان بازگشایی کرده است و امسال نیز سفارت خود را در تونگا افتتاح کرده است برای باز کردن سفارتخانه ها در وانواتو و کیریباتی، که ایالات متحده قبلاً متوجه آن نشده بود، اما اکنون روابط دیپلماتیک مرتبط با دو کشور جزیره ای اقیانوس آرام، جزایر کوک و نیوئه برقرار است.

سوم، ایالات متحده باید حضور نظامی خود را در کشورهای جزیره اقیانوس آرام گسترش دهد. در ماه مه ۲۰۲۳، ایالات متحده و پاپوآ گینه نو یک توافقنامه همکاری دفاعی دوجانبه امضا کردند که حضور گارد ساحلی در این منطقه را تقویت کرد. گارد ساحلی ایالات متحده با بیش از ده ها کشور جزیره ای اقیانوس آرام "توافقنامه ناظر کشتی" را امضا کرده است. پس از امضای این قرارداد، در فوریه ۲۰۲۴، گارد ساحلی ایالات متحده با پلیس کیریباتی برای سوار شدن به قایق های ماهیگیری چینی برای "بازرسی" همکاری کرد.

چهارم، آمریکا نفوذ خود را در منطقه افزایش داده است. این امر در موارد زیر منعکس شده است: پیوستن ایالات متحده به فیجی در "چارچوب اقتصادی هند و اقیانوس آرام" که به فیجی، تونگا، ساموآ و برخی از کشورهای منطقه اقیانوس آرام باز می گردد. به نام "برنامه رهبران جوانان اقیانوس آرام"، که همچنین ایالات متحده همواره از رویکرد سنتی برای تقویت نفوذ نفوذ سیاسی استفاده کرده است.



پنجم، ایالات متحده کمک های اقتصادی خود را به این منطقه افزایش داده است. از زمان اولین اجلاس جزیره اقیانوس آرام در سال ۲۰۲۲، ایالات متحده بیش از ۸۰۰ میلیون دلار کمک به کشورهای جزیره اقیانوس آرام اعلام کرده است. ایالات متحده همچنین از ساخت کابل های نوری زیردریایی در منطقه اقیانوس آرام حمایت می کند. تمدید توافقنامه انجمن آزاد توسط ایالات متحده تأثیر طولانی مدتی بر ادامه حضور نظامی ایالات متحده در منطقه از جمله کمک های منطقه ای خواهد داشت.

### علاق و نگرانی های کشورهای پاسیفیک

در چارچوب رقابت بین چین و ایالات متحده، کشورهای جزیره اقیانوس آرام به روشی محتاطانه در حال تغییر موقعیت خود هستند. در واقع، مفهوم "آبی اقیانوس آرام" توسط کشورهای جزیره ای اقیانوس آرام ارائه شد. چرا چنین مفهومی را پیشنهاد می کنیم؟ اولاً، کشورهای جزیره ای اقیانوس آرام می خواهند بین مفهوم «هند-اقیانوس آرام» آمریکا و ابتکار پیشنهادی چین، یک ارزش میانی پیدا کنند. کشورهای جزیره اقیانوس آرام می خواهند از موقعیت خود به عنوان واسطه برای وارد کردن چین و ایالات متحده استفاده کنند و منافع اقتصادی چین و منافع امنیتی ایالات متحده را جذب کنند تا استقلال خود را حفظ کنند. دوم، کشورهای جزیره اقیانوس آرام می خواهند از منافع خود محافظت کنند. با تشدید رقابت ژئوپلیتیکی در منطقه اقیانوس آرام، کشورهای جزیره اقیانوس آرام نیز برخی از مشکلات خود را دارند که باید حل شوند، مانند تأثیر تغییرات آب و هوا. در این شرایط، کشورهای جزیره اقیانوس آرام نیز امیدوارند که منطقه اقیانوس آرام به منطقه صلح و همکاری تبدیل شود، که شرایط مساعدی برای اجرای «سه ابتکار بزرگ جهانی» چین در منطقه اقیانوس آرام خواهد بود. با توجه به منافع و نگرانی های کشورهای جزیره ای اقیانوس آرام، به طور خاص، اولاً، بزرگترین نقطه ورود علاقه برای کشورهای جزیره ای اقیانوس آرام، تغییرات آب و هوایی است. زیرا هدف آب و هوای ۱.۵ درجه سانتیگراد نه تنها یک خط هشدار برای کشورهای جزیره ای اقیانوس آرام است، بلکه تهدیدی وجودی برای آنهاست اگر سطح دریاها بالا برود، این کشورها ناپدید خواهند شد. دوم، در مورد مسائل امنیتی، کشورهای جزیره اقیانوس آرام نیز می خواهند سازوکار بقای خود را در روند ژئوپلیتیک و بازی چین و آمریکا داشته باشند. آنها امیدوارند که از طریق مجمع جزایر اقیانوس آرام، بتوانند کشورهای بزرگ خارج از منطقه را که دغدغه های مرتبطی برای تامین منافع خود دارند، وارد کنند. سوم، قدرت های اقیانوس آرام نیز امیدوارند که کشورها به تنوع تمدن ها و فرهنگ های محلی احترام بگذارند، که بازتابی از استقلال خودشان است.

همچنین تفاوت هایی در تعامل بین ایالات متحده و کشورهای جزیره اقیانوس آرام وجود دارد. تجزیه و تحلیل تفاوت های آنها برای توسعه روابط با کشورهای جزیره اقیانوس آرام در آینده بسیار معنادار است. اولاً، آشتی دادن منافع اصلی ایالات متحده و کشورهای جزیره اقیانوس آرام دشوار است. ایالات متحده به سمت امنیت و رقابت ژئوپلیتیکی گرایش دارد، در حالی که کشورهای جزیره ای اقیانوس آرام همیشه نگران امنیت آب و هوا بوده اند. ثانیاً، کشورهای جزیره اقیانوس آرام همچنان با گسترش حضور نظامی محلی ایالات متحده و «نظامی کردن» کشورهای جزیره اقیانوس آرام مخالف هستند. ثالثاً، ایالات متحده، بریتانیا و سایر کشورها درک اشتباهی از تاریخ دارند. پس از جنگ جهانی دوم، ایالات متحده سایت های آزمایش هسته ای در کشورهای جزیره اقیانوس آرام داشت که تأثیر زیادی بر اکولوژی محلی و ایمنی زندگی مردم محلی داشت. با این حال، ایالات متحده، بریتانیا و سایر کشورها چنین اشتباهات تاریخی را نمی پذیرند، که این امر نیز مانعی برای توسعه بیشتر روابط بین ایالات متحده و کشورهای جزیره اقیانوس آرام شده است. چهارم، کشورهای جزیره ای اقیانوس آرام امیدوارند منطقه عاری از سلاح هسته ای ایجاد کنند، اما اتحاد آمریکا، انگلیس و استرالیا تا حدودی روند خلع سلاح هسته ای در این منطقه را تضعیف کرده است که این نیز برخلاف میل کشورهای اقیانوس آرام است.

### سیاست داخلی ایالات متحده و اقتصاد چین

مدیریت چین با رکود اقتصادی خود نشان دهنده بزرگترین خطر اقتصادی جهانی در سال ۲۰۲۴ است. در عین حال، کمپین انتخابات ریاست جمهوری آمریکا سیاست خارجی و داخلی واشنگتن را بی ثبات می کند - که پیامدهای ژئوپلیتیکی نیز خواهد داشت. روابط ایالات متحده و چین احتمالاً در سال ۲۰۲۴ متوقف می شود زیرا هر دو کشور بر مسائل داخلی تمرکز می کنند. آنچه ممکن است شبیه دوره





آرامش نسبی باشد، نباید از این واقعیت منحرف شود که تایوان، جنگ در اوکراین و مناقشات تجاری همچنان نقاط دردسرساز باقی خواهند ماند. انتخابات ریاست جمهوری آتی در ایالات متحده به عنوان رقابتی بین انترناسیونالیسم لیبرال و پوپولیسم ملی-محافظه کار معرفی می شود که احتمالاً منجر به تکرار دوئل بین رئیس جمهور هریس و رئیس جمهور سابق دونالد ترامپ خواهد شد. محاکمه های جنایی علیه ترامپ که برای یک رئیس جمهور سابق بی سابقه است، توجه زیادی را در داخل و خارج از کشور می طلبد. متحدان و مخالفان ایالات متحده با چالش ارزیابی نتیجه و عواقب پرونده ها علیه ترامپ با شتاب گرفتن مبارزات انتخاباتی روبرو هستند.

صرف نظر از نتیجه انتخابات، سوال اساسی ژئوپلیتیکی باقی می ماند: ایالات متحده چه نقشی در دنیای چندقطبی فزاینده ایفا خواهد کرد؟ برای اسرائیل، اوکراین و متحدان اروپایی ایالات متحده که مستقیماً به چتر امنیتی ایالات متحده وابسته هستند، این سؤال به طور مشخص به این معنی است که آیا ایالات متحده به حمایت مالی و تحویل مهمات خود در سال ۲۰۲۴ ادامه خواهد داد یا خیر. برای منطقه مورد مناقشه هند و اقیانوس آرام، تغییر دولت در ایالات متحده می تواند تأثیر چشمگیری بر تلاش ها برای ایجاد ائتلاف در زنجیره های امنیتی، فناوری و تامین داشته باشد. سیاست در چین مدت ها است که رقابت شدید و مداوم با ایالات متحده را بدون توجه به اینکه چه کسی در واشنگتن مسئول است، در پیش گرفته است. پکن هدف خود را کاهش آسیب پذیری اقتصاد چین در برابر فشارهای ایالات متحده و متحدانش قرار داده است. چین اقدامات تلافی جویانه خود را اصلاح کرده و اخیراً اعلام کرده است که آماده استفاده از آنها است. دیپلماسی احیا شده آمریکا و چین این را تغییر نداده است.<sup>3</sup>

به دلیل مشکلات در داخل، پکن احتمالاً از تشدید درگیری های سیاست خارجی اجتناب می کند. با این حال، مسائل داخلی گهگاه منجر به "بحران های کوچک" در روابط ایالات متحده و چین در گذشته شده است و انتخابات ریاست جمهوری آینده تایوان در ژانویه ۲۰۲۴ یک محرک بالقوه برای تنش های بیشتر است. پیروزی لای چینگ ته، نامزد کنونی حزب دموکرات پیشرو و طرفدار آمریکا، منجر به افزایش فشار پکن بر تایپه خواهد شد. خطر جنگ بر سر تایوان در سال ۲۰۲۴ بسیار کم است و سناریوهای درگیری محدود در زمینه مقررات و اختلال در تجارت محتمل تر است. همزمان، نشست هایی بین نمایندگان آمریکا و تایوان برای تقویت توان نظامی تایوان برای سال ۲۰۲۴ برنامه ریزی شده است. با این حال، حوادث تصادفی همچنان امکان پذیر است زیرا هر دو طرف درگیر به گسترش تمرینات نظامی خود ادامه می دهند.

### درگیری در دریای چین جنوبی

دریای چین جنوبی به عنوان بخشی از منطقه هند و اقیانوس آرام، یکی از عرصه های اصلی مبارزه برای نفوذ ژئوپلیتیکی بین جمهوری خلق چین از یک سو و ایالات متحده آمریکا از سوی دیگر است. با این حال، نه تنها درگیری بین دو قدرت بزرگ در دریای چین جنوبی رخ می دهد، بلکه مهمتر از همه، از پایان جنگ جهانی دوم، درگیری های سرزمینی در آنجا بین جمهوری خلق چین و چندین منطقه ساحلی جنوب شرقی آسیا در جریان بوده است. ایالت ها بر روی گروه های مختلفی از جزایر، مانند جزایر اسپراتلی، که در مجموع متعلق به شش ایالت هستند، ادعا می شود. علاوه بر جمهوری خلق چین، کشورهایی که عمدتاً درگیر درگیری های متعدد هستند عبارتند از تایوان، مالزی، برونئی، اندونزی، ویتنام و فیلیپین. یکی از دلایل تشدید مناقشات ارضی به ویژه از سال ۲۰۱۱، پیامدهای بحران اقتصادی جهانی در سال ۲۰۰۸ است. در جریان بحران جهانی، جمهوری خلق چین توانست برتری اقتصادی قابل توجهی نسبت به آسیای جنوب شرقی به دست آورد. کشورهای همسایه درگیر، و آنها را حتی قدرتمندتر از قبل از ظهور چین احساس خطر می کند. به طور خاص، مناقشات بر سر قلمرو فقط در مورد سیاست امنیتی نیست، بلکه در مورد منافع اقتصادی نیز هست، زیرا دریای چین جنوبی هم از نظر ذخایر ماهی و هم از نظر مواد خام مانند نفت بسیار غنی است. اهمیت ژئواستراتژیک نیز در این واقعیت منعکس می شود که سالانه حدود ۵۰ درصد از کل کالاهای ارسال شده در سراسر جهان از دریای چین جنوبی عبور می کند.

<sup>3</sup>Alexandre Dayant, Meg Keen, and Roland Rajah, "Chinese Aid to the Pacific: Decreasing, but Not Disappearing", The Interpreter, 25 January 2023,



تمام ایالت های فوق الذکر ادعای یک یا چند جزیره و صخره های مرجانی در دریای چین جنوبی را برای خود دارند. وابستگی سرزمینی به رسمیت شناخته شده بین المللی هر فرد یا همه این گروه های جزیره ای به یک دولت خاص، به این دولت حقوق گسترده ای برای استخراج مواد خام، استفاده اقتصادی و ایجاد زیرساخت های سیاست امنیتی در یا اطراف جزایر مربوطه اعطا می کند. همچنین امکان کنترل مسیرهای تجاری مهم جهانی وجود خواهد داشت. جمهوری خلق چین رسماً مدعی مالکیت حدود ۸۰ درصد از دریای چین جنوبی است. این در درجه اول با اشاره به وابستگی احتمالی بسیاری از گروه های جزیره مورد مناقشه به امپراتوری چین سابق توجیه می شود. چین برای حمایت از ادعاهای خود به طور مستمر اسناد تاریخی جدیدی ارائه می کند که ظاهراً این وابستگی های سنتی را ثابت می کند. در واقع، بسیاری از جزایر مورد ادعای چین در حال حاضر تحت کنترل سایر کشورهای درگیر در درگیری هستند. علاوه بر حرکات تهدیدآمیز نظامی، جمهوری خلق چین به طور پراکنده حقایق را نیز در گذشته اخیر ایجاد کرده است: به عنوان مثال، در سال ۲۰۱۶، تصاویر ماهواره ای شواهدی ارائه کردند که نشان می دهد آشیانه هایی برای هواپیماهای نظامی در برخی جزایر مورد ادعای جمهوری خلق چین ساخته شده است. ویتنام همچنین مظنون است که چین سیستم های دفاع موشکی را در برخی از جزایر تحت کنترل ویتنام مستقر کرده است. علاوه بر این، برخی از درگیری ها نیز در دادگاه دائمی داوری در لاهه حل و فصل می شود، اگرچه جمهوری خلق چین آرای داوری قبلی را به رسمیت نشناخته است.

در خاتمه می توان گفت که درگیری هایی که ده ها سال در منطقه مهم ژئواستراتژیک دریای چین جنوبی در حال جوشیدن است، احتمالاً در آینده قابل پیش بینی نمی تواند به صورت مسالمت آمیز و مطابق با منافع همه طرف ها حل و فصل شود. اوضاع از نظر سیاسی به شدت متشنج است و همچنین این پتانسیل را دارد که در هر زمان و در بدترین حالت به شیوه نظامی تشدید شود. این واقعیت که ایالات متحده نیز در منطقه به دنبال منافع ژئواستراتژیک است، شرکای استراتژیک در آنجا دارد و همچنین با نیروی دریایی خود در دریای چین جنوبی حضور دارد، اوضاع را بیش از پیش انفجاری می کند.

### رقابت برای نفوذ در منطقه پاسیفیک

یک عرصه مهم در رقابت برای نفوذ جهانی بین دو کشور، منطقه آسیا و اقیانوسیه است که اکنون برخی از بازیگران از آن به عنوان منطقه هند و اقیانوسیه نیز یاد می کنند. ایالات متحده در سال ۲۰۱۱ منطقه را به عنوان اولویت شماره یک سیاست خارجی در دوران باراک اوباما اعلام کرد - که به معنای دور شدن تدریجی از اروپا بود. جمهوری خلق چین قبلاً رقیب اصلی برای نفوذ در این منطقه غنی از جمعیت و منابع به حساب می آمد. علاوه بر تماس های ایالات متحده با تایوان، البته عمدتاً غیررسمی، رهبری چین در اطراف هو و بعداً شی هم اکنون خود را با افزایش تعهد سیاست خارجی ایالات متحده در بسیاری از کشورهای همسایه چین در معرض تهدید می دید. دولت چین این اقدام ایالات متحده را به عنوان یک نفوذ تهاجمی به حوزه نفوذ سنتی چین تلقی کرد.<sup>۴</sup>

### اتحاد تاریخی آمریکا و ژاپن

توکیو، واشنگتن رئیس جمهور جو بایدن به تازگی به غرب میانه ایالات متحده سفر کرده است تا رای دهندگان جوان و کمک کنندگان اصلی را برای نامزدی برای دور دوم الهام بخشد. اما در بقیه هفته او بر دومین "میدان نبرد" ریاست جمهوری خود تمرکز خواهد کرد: اقیانوس هند و اقیانوس آرام. بایدن مرزبندی از چین را اصل راهنمای خود قرار داده است و ژاپن مهمترین شریک استراتژیک برای این امر است. برخی از تصمیمات توکیو- واشنگتن برخی از تصمیمات احتمالی را به اشتراک گذاشتند - جزئیات در یک نگاه:

۱- همکاری بین نیروهای مسلح: دولت ژاپن اعلام کرده است که یک فرماندهی مشترک برای نیروهای مسلح خود معرفی خواهد کرد. در مقابل، ایالات متحده می تواند نیروهای مسلح خود را در ژاپن تحت فرماندهی یک ژنرال چهار ستاره قرار دهد تا بتواند به توافقات مستقیم دست یابد. تا کنون، با تاسف ژاپن، هماهنگی ها عمدتاً از طریق فرماندهی هند و اقیانوس آرام ایالات متحده در هاوایی انجام شده است.

<sup>4</sup>Richard Herr, "Regionalism, Strategic Denial, and South Pacific Security", The Journal of Pacific History, Vol. 21, No. 4 (1986), pp. 170-82.





کرت کمپل معاون وزیر امور خارجه آمریکا همچنین قول همکاری بیشتر در صنعت دفاعی از جمله تولید مشترک تسلیحات، احتمالاً موشک جدید و همچنین تعمیر و نگهداری کشتی های جنگی آمریکایی و سایر تجهیزات در ژاپن را داد. بر اساس گزارش رسانه های آمریکایی، توسعه کوتاه مدت تولید تجهیزات نظامی نیز به منظور تامین مهمات بیشتر اوکراین مورد بحث قرار گرفته است. کنگره آمریکا مدت هاست که از کمک های نظامی جدید به اوکراین جلوگیری کرده است.

۲. **Aukus plus Japan:** همکاری نزدیکتر بین ژاپن و ائتلاف امنیتی **Aukus** نیز برنامه ریزی شده است. وزرای دفاع مربوطه آنها روز دوشنبه گفتند که قرارداد زیردریایی بین استرالیا، بریتانیا و ایالات متحده بزرگترین پیمان فناوری دفاعی در تاریخ مدرن است - و به زودی با مشارکت ژاپن ادامه خواهد یافت. انتظار می رود این مذاکرات اواخر سال جاری آغاز شود، اما مقامات آمریکایی انتظار ندارند تا سفر کیشیدا تکمیل شود. به گفته کاخ سفید، ژاپن می تواند در توسعه جنگ الکترونیکی و کنترل شده با هوش مصنوعی، پهپادهای زیر آب و فناوری مافوق صوت مشارکت کند.

۳. اقتصاد و سفر فضایی: اقتصاد ژاپن از نظر استراتژیک بازوی گسترده ایالات متحده در منطقه آسیا محسوب می شود. هر دو کشور می خواهند در توسعه فضا و امنیت اقتصادی با یکدیگر همکاری نزدیکتری داشته باشند، همانطور که در حال حاضر در توسعه فناوری نیمه هادی اتفاق افتاده است: شرکت بزرگ ژاپنی راپیدوس در حال توسعه فناوری تولید برای شرکت آمریکایی است. - تراشه های دو نانومتری IBM. هر دو طرف می توانند در مورد قوانین جدید یارانه برای کالاهای استراتژیک مانند نیمه هادی ها و باتری های ذخیره سازی توافق کنند.

۴. اتحاد سه جانبه با فیلیپین: چند روز پیش آمریکا، ژاپن و فیلیپین به همراه استرالیا مانوری را در دریای جنوبی چین انجام دادند که چین به طور غیرقانونی آن را متعلق به خود می داند. چنین گشت های دریایی می تواند در آینده گسترش یابد و احتمالاً به عنوان یک اقدام تحریک آمیز توسط پکن تلقی می شود. علاوه بر این، ایالات متحده، ژاپن و فیلیپین خواهان همکاری در زنجیره تامین مواد معدنی حیاتی هستند که در حال حاضر جهان به چین وابسته است. فیلیپین پس از اندونزی، دومین تولید کننده نیکل در منطقه است که ماده ای کلیدی برای باتری خودروهای الکتریکی است. بایدن و کیشیدا نمی خواهند رقابت مواد خام در آسیای جنوب شرقی را به چین بسپارند. پیمان امنیتی نظامی آمریکا و ژاپن به اندازه ائتلاف نظامی غربی ناتو گسترده نیست - اما این ایده را تقویت می کند که ایالات متحده و ژاپن ارتباط ویژه ای دارند و از یکدیگر انتظار دارند تا استراتژی های خود را هماهنگ کنند. کیشیدا از زمان روی کار آمدن در سپتامبر ۲۰۲۱، سیاست دفاعی ژاپن را دوباره تنظیم کرد و ارتش را به شدت تقویت کرد: ژاپن بودجه دفاعی خود را دو برابر کرد و به دو درصد تولید ناخالص داخلی رساند، به دنبال نزدیکی به ناتو و فعال شدن به عنوان صادرکننده تسلیحات پس از چندین دهه محدودیت خود بود. برای دولت بایدن، ژاپن برای مقابله با نفوذ چین در اقیانوس هند و اقیانوس آرام ضروری است. نگرانی ها در واشنگتن در حال افزایش است که جنگ تجاوزکارانه روسیه علیه اوکراین می تواند پکن را برای حمله نظامی به تایوان تشویق کند.

ژاپن نیز به نوبه خود علاقه مند است که خود را در برابر گرایشات انزواطلبی و حمایت گرایانه در ایالات متحده مسلح کند - با این که خود را ضروری جلوه دهد. تاکاشی ایمامورا، رئیس اندیشکده خانه بازرگانی **Marubeni**، توضیح داد: "ژاپن باید برای پیروزی بر ایالات متحده تلاش کند." نگرانی همچنان وجود دارد که ترامپ که منتقد جهانی شدن است، قدرت بزرگ ایالات متحده را در دور دوم از اتحادها خارج کند. اما بایدن همچنین می تواند با توجه به جو سیاسی داغ در ایالات متحده، تعامل جهانی را کاهش دهد، امامورا هشدار می دهد. با توجه به توافقات تجاری و اقتصادی بزرگتر، این روند در حال حاضر قابل توجه است: ایالات متحده به طور فزاینده ای از بخش فناوری به ویژه در برابر دخالت خارجی محافظت می کند.

## روابط هند و ایالات متحده

مشارکت بین دو دموکراسی بزرگ جهان، هند و ایالات متحده آمریکا، یکی از مهم ترین راهبردهای قرن بیست و یکم است. تا همین اواخر در بالاترین حد خود بود. با این حال، همیشه اینطور نبود. تنها در آغاز دهه ۱۹۹۰ بود که هر دو دولت به تدریج از محدودیت های نظم جهانی دوقطبی بیرون آمدند. یک رابطه راحت به یک رابطه کاری امیدوارکننده تبدیل شده است که حوزه های استراتژیک زیادی را در بر

می گیرد - از تجارت گرفته تا دفاع و مأموریت های فضایی مشترک. این تغییر چگونه به وجود آمد و روابط هند و ایالات متحده چه پتانسیلی برای یکدیگر و برای حفظ نظمی آزاد و مبتنی بر قوانین در هند و اقیانوس آرام و فراتر از آن دارد؟<sup>۵</sup>

حتی در طول مناقشه شرق و غرب، دو دموکراسی بزرگ هرگز همکاری پایداری پیدا نکردند. دلایل اصلی این امر در محاسبات نامتقارن قدرت در نظم جهانی دوقطبی در آن زمان نهفته است: روابط نزدیک هند با اتحاد جماهیر شوروی، تشدید تضاد هند و پاکستان به دلیل دخالت غیرمستقیم آمریکا در جنگ بنگلادش در سال ۱۹۷۱ و تعمیق سیاست آمریکا در قبال چین تنها از آغاز دهه ۱۹۹۰ لحن تغییر کرد و آنچه قبلاً «دموکراسی از خود بیگانه شده بود» به تدریج به «شریکای استراتژیک» یا «متحدان طبیعی» تبدیل شد. افزایش آزادسازی اقتصاد هند از سال ۱۹۹۱ همچنین کریدورهای جدید اقدام استراتژیک را برای هر دو کشور ایجاد کرده است. از سال ۲۰۰۰، هر دولت ایالات متحده، از بیل کلینتون گرفته تا جو بایدن، حفظ روابط کاری نزدیک با هند را به یک دغدغه اصلی تبدیل کرده است. در خط مقدم این ملاحظات، هند به عنوان وزنه تعادل در برابر رقیب نوظهور خود، چین، به ویژه در اقیانوس هند و اقیانوس آرام، و همچنین فراتر از آن، مانند مهار تروریسم جهانی قرار داشت. با وجود دولت های مختلف با اهداف سیاست داخلی و خارجی متفاوت، روابط دوجانبه در سه دهه گذشته تشدید شده است.

### روابط ایالات متحده و کره جنوبی در سال ۲۰۲۴: مسائل و چشم اندازهای فعلی

در دولت یون سوک یول، روابط کره و ایالات متحده نسبت به هر زمان دیگری در گذشته، محکم تر و با ثبات تر ارزیابی می شود. دو موفقیت مهم در روابط ROK-US در سال ۲۰۲۳، اجلاس سران ROK-US در هفتادمین سالگرد اتحاد و اجلاس کمپ دیوید کره-آمریکا-ژاپن است. دولت یون سوک یول از زمان روی کار آمدن به حرکت های دیپلماتیک عمده خود ادامه داده است، از جمله نشست کره-ژاپن در مارس ۲۰۲۳، اجلاس سران کره-آمریکا در آوریل، اجلاس G۷ در هیروشیما در ماه مه، نشست سران ناتو در ویلنیوس، لیتوانی در ژوئیه و کمپ دیوید در ماه اوت. نشست سه جانبه کمپ دیوید را می توان به عنوان نشستی ارزیابی کرد که نشان دهنده پایان دیپلماسی اجلاس سران «همبستگی آزادی» است که دولت یون سوک یول دنبال کرده است.

مقدمه بیانیه مشترک در اجلاس بزرگداشت هفتادمین سالگرد اتحاد ROK-US که در واشنگتن در ۲۷ آوریل ۲۰۲۳ برگزار شد، حاوی اهداف یک اتحاد ارزشی است که ارزش های جهانی آزادی، حاکمیت قانون و انسان را به اشتراک می گذارد. حقوق، و شامل ▲ اتحاد راهبردی جامع جهانی، ▲ در منطقه هند و اقیانوس آرام ▲ شامل توافقاتی برای پیشبرد همکاری بین دو کشور در هر یک از سه زمینه، از جمله تقویت همکاری مستحکم بین دو کشور است. کشورها از طریق این اجلاس، اتحاد ROK-US ارزیابی می شود که پنج رکن ائتلاف را در پنج حوزه، یعنی اتحاد امنیتی، اتحاد اقتصادی، اتحاد فناوری، اتحاد فرهنگی و اتحاد اطلاعاتی بر روی سنگ بنای "ائتلاف ارزشی" ایجاد کرده است.

نتایج نشست کمپ دیوید کره، آمریکا و ژاپن که در ماه اوت برگزار شد در سه سند مهم منعکس شده است. روح کمپ دیوید، بیانیه مشترک رهبران سه کشور، چشم انداز و جهت گیری همکاری های سه جانبه، گسترش همکاری های سه جانبه در همه زمینه ها، منطقه هند و اقیانوس آرام و فراتر از آن و دستیابی به اهداف مشترک را ارائه کرد به افق های جدید اصول کمپ دیوید رهنمودهای خاصی را برای همکاری بین کره، ایالات متحده و ژاپن ارائه کرد و دیدگاه مشترکی را برای مشارکت سه جانبه و منطقه هند و اقیانوس آرام و فراتر از آن تأیید کرد. تعهد به مشورت از دولت ها می خواهد که به سرعت با یکدیگر در سطح سه جانبه مشورت کنند تا واکنش های دولت هایمان را به چالش های منطقه ای، تحریک آمیزها و تهدیدهایی که بر منافع و امنیت مشترک ما تأثیر می گذارند، هماهنگ کنند.

اجلاس کمپ دیوید شامل طیف گسترده ای از مطالب، از جمله رایزنی های منظم در سطح بالا از جمله نشست سه جانبه بین کره، ایالات متحده و ژاپن، تقویت همکاری های امنیتی، گسترش همکاری ها در منطقه هند و اقیانوس آرام، تعمیق همکاری های اقتصادی و فناوری، و همکاری در سلامت جهانی و مبادلات انسانی. رئیس جمهور یون در سخنان خود در کنفرانس مطبوعاتی مشترک، نشست کمپ دیوید

<sup>5</sup> The White House, National Security Strategy (Washington, D.C.: The White House, 2022); The White House, Indo-Pacific Strategy of the United States (Washington, D.C.: The White House, 2022)



را به عنوان پایه‌ای نهادی برای همکاری امنیتی بین کره، ایالات متحده و ژاپن ارزیابی کرد. در واقع، همکاری امنیتی سه جانبه بین کره، ایالات متحده و ژاپن رویای دیرینه راهبرد آسیای شرقی ایالات متحده بوده است. ایالات متحده با کره جنوبی و ژاپن متحد است، اما واقعیت این است که همکاری بین کره، ایالات متحده و ژاپن به دلیل مسائلی مانند مسائل تاریخی بین کره و ژاپن و اختلاف در موضع تاکنون محدود بوده است. واکنش به وضعیت شمال شرق آسیا در همکاری کره، آمریکا و ژاپن، کره و ژاپن همواره به عنوان یک «حلقه ضعیف» ارزیابی شده است و اجلاس سران کره، آمریکا و ژاپن که به صورت غیر رسمی یا به عنوان یک رویداد جانبی در مراحل چندجانبه مانند اجلاس سران آسه آن برگزار شد. از هر سه سران کشور اجتناب نشده است.

به این ترتیب، در سال ۲۰۲۳، روابط کره و ایالات متحده از طریق اجلاس هفتادمین سالگرد اتحاد و اجلاس کمپ دیوید کره-آمریکا-ژاپن بر پایه محکم تری خواهد بود. برخلاف دولت‌های گذشته، دولت یون سئوک یول همبستگی خود را بر اساس «ارزش‌ها» با ایالات متحده و جهان غرب تحکیم کرد و در عین حال شروع به صحبت واضح در مورد مسائل مهم بین‌المللی مانند جنگ در اوکراین، مسئله تایوان و دریای چین جنوبی در سطح بین‌المللی، ارزیابی‌های مثبتی از موضع دیپلماتیک و امنیتی دولت یون وجود دارد. به ویژه، بهبود فعال در روابط کره و ژاپن از دیدگاه آینده‌محور به عنوان یک تغییر بسیار مثبت ارزیابی می‌شود. ایالات متحده همواره همکاری‌های سه جانبه کره، آمریکا و ژاپن را مثبت ارزیابی کرده و امیدوار است که به نتیجه برسد و با وجود فراز و نشیب‌های کوتاه مدت، انتظار می‌رود روابط کره، آمریکا و ژاپن به نتیجه برسد. منحنی صعودی را در بلند مدت نشان می‌دهد.<sup>۶</sup>

### مسائل و چالش‌های کنونی در روابط کره و آمریکا

رابطه ROK و ایالات متحده هنوز یک اتحاد مستحکم و تزلزل ناپذیر است، اما محیط بین‌المللی پیرامون این اتحاد چندان دوستانه نیست. انتظار می‌رود وضعیت جهانی در سال ۲۰۲۴ همچنان با چندپارگی، جناح بندی و خطرات مختلف ناشی از نقاط اشتعال مواجه شود. جنگ در اوکراین هم اکنون در جریان است و علاوه بر آن، جنگ اسرائیل و حماس، احتمال تنش در تنگه تایوان و دریای چین جنوبی و تشدید احساس بحران در شبه جزیره کره مورد بحث قرار گرفته است. وضعیت بین‌المللی که اتحاد ROK-US باید از آن عبور کند بسیار گیج کننده است. اول، تکه تکه شدن سیستمی سیستم بین‌الملل که از زمان همه‌گیری کووید-۱۹ تشدید شده است، یا وضعیتی وخیم که در آن همه کشورها باید به صورت جداگانه در یک نظم بین‌المللی پراکنده زنده بمانند، پدیدار شده است. دوم، با عمیق تر شدن گرایش به سمت یک جنگ سرد جدید، نظم جهانی به سرعت در تضاد بین نظام‌های دموکراتیک و استبدادی سازماندهی مجدد می‌شود و بار اتحاد با نیروهای دوست و مدیریت روابط با نیروهای متخاصم بر دوش هر کشوری است. سوم، احتمال وقوع حوادث غیرمنتظره پیرامون نقاط اشتعال مختلف در منطقه جهانی و آسیا و اقیانوسیه افزایش یافته است. جنگ اوکراین و جنگ اسرائیل و حماس هم‌اکنون در جریان است و انتظار می‌رود پیامدهای آن بر هند و اقیانوس آرام و حتی شمال شرق آسیا تأثیر بگذارد. در این شرایط، در واکنش به این تغییرات در وضعیت بین‌المللی، دولت یون سئوک یول با برجسته کردن هویت دیپلماتی ارزیابی کره و افزایش شفافیت استراتژیک به جای ابهام استراتژیک پاسخ می‌دهد. این در استراتژی دیپلماتیک و امنیتی «ملت محوری جهانی آزادی، صلح و رفاه» و استراتژی هند و اقیانوسیه منعکس شده است. کلید تبدیل شدن به یک مرکز جهانی، تقویت همبستگی با کشورهایی است که دارای ارزش‌های اصلی مانند آزادی، دموکراسی و حقوق بشر برای صلح و رفاه جهانی هستند و دنبال کردن همکاری‌های بین‌المللی منصفانه بر اساس هنجارها. استراتژی هند و اقیانوسیه که به طور مستقل اعلام شده است، همچنین شامل سه چشم انداز (پیگیری نظم بین‌المللی آزادی، صلح و رفاه)، سه اصل همکاری (شامل، اعتماد، و متقابل) و آزادی است که در مجموع ۹ وظیفه کلیدی ارائه شده است. هر زمینه، از جمله صلح و رفاه.

به لطف عملکرد در سال ۲۰۲۳، مسائل کمی وجود دارد که در حال حاضر باعث درگیری یا اختلاف نظرهای خاص در روابط جمهوری خلق-آمریکا شود، اما تفاوت در مواضع پیرامون نقاط مختلف درگیری بین‌المللی (جنگ اوکراین، جنگ اسرائیل و حماس، بحران تایوان

<sup>6</sup> Robert L. Carlin and Siegfried S. Hecker, "Is Kim Jong Un Preparing for War?", 38 North, (January 11, 2024).



و غیره) نیاز به آمادگی قبلی برای تأثیر بر امنیت اقتصادی (به ویژه امنیت اقتصادی) و مهمتر از همه تأثیر نتایج مختلف انتخابات در سال ۲۰۲۴ وجود دارد. در سال ۲۰۲۴، انتخابات مهمی مانند انتخابات ریاست جمهوری تایوان (ژانویه)، انتخابات سراسری کره (آوریل) و انتخابات ریاست جمهوری ایالات متحده (نوامبر) برنامه ریزی شده است که بر روابط خارجی و امنیت کره تأثیر می گذارد. اگر حزب حاکم و حزب اپوزیسیون مجدداً با اختلاف قاطع در انتخابات سراسری کره پیروز شوند، این امر منجر به یک وضعیت بد برای رئیس جمهور خواهد شد و چشم انداز روابط کره-ژاپن و همکاری امنیتی کره-ایالات متحده-ژاپن خواهد بود. نامطمئن شدن اگر دور دوم ترامپ در انتخابات ریاست جمهوری آمریکا محقق شود، تقریباً تمام سیاست‌های اتحاد و سیاست‌های امنیتی اقتصادی آمریکا برخلاف سیاست‌های دولت بایدن خواهد بود و انتظار می‌رود که تأثیر منفی بر روابط کره و آمریکا بگذارد.

موضوع اصلی که باید در روابط جمهوری کره و ایالات متحده در سال ۲۰۲۴ بر روی آن متمرکز شود، اجرای بازدارندگی گسترده به عنوان اقدامی برای پیگیری بیانیه واشنگتن است. در جلسه عمومی حزب کارگران به نمایندگی از سخنرانی سال نو ۲۰۲۴، کیم جونگ اون، رئیس کره شمالی تأکید کرد که روابط بین کره‌ای دیگر یک رابطه خویشاوندی یا همگن نیست، بلکه کاملاً به رابطه بین دو کشور متخاصم تبدیل شده است. و دو متخاصم در جنگ. علاوه بر این، رئیس کیم اقدامات تحریک آمیز نظامی علیه کره جنوبی را پیش بینی کرد و گفت که از همه ابزارهای فیزیکی از جمله استفاده از سلاح هسته ای برای آرام کردن خاک کره جنوبی استفاده خواهد کرد. این نشان می‌دهد که شمال و جنوب دیگر همان مردم نیستند، بلکه «ملت علیه ملت» متخاصم هستند، و یک تغییر اساسی در جهت در خط به سمت جنوب است که دیگر بحث اتحاد با جنوب را نخواهد داشت. بر این اساس، تقویت بازدارندگی در برابر کره شمالی به یک کار فوری تبدیل شده است.

یکی دیگر از جنبه های مهم بیانیه واشنگتن پیامدهای آن برای همکاری هسته ای کره و ایالات متحده است. به جای دست کشیدن از توسعه تسلیحات هسته ای، کره باید خواستار تحکیم حق اساسی استفاده صلح آمیز از انرژی هسته ای شود. کره جنوبی، ایالات متحده و ژاپن اخیراً توافق کردند که "ابتکار کره شمالی" جدید را برای جلوگیری فعالانه از تهدیدات هسته ای و موشکی کره شمالی ترویج کنند. این طرحی است برای سرکوب خطرات امنیتی علیه کره شمالی و کنترل چین و روسیه نه تنها از طریق واکنش نظامی مانند به اشتراک گذاری اطلاعات هشدار موشکی کره شمالی، بلکه همچنین مسدود کردن جنایات سایبری غیرقانونی و همکاری با زنجیره های تأمین علیه چین. به ویژه، نیاز به تقویت تلاش‌های امنیتی سایبری برای جلوگیری از حملات سایبری مداوم و فعالیت‌های نقض غیرقانونی کره شمالی، مانند سرقت ارزهای دیجیتال و سرقت فناوری‌های پیشرفته و اطلاعات پزشکی وجود دارد. همکاری اقتصادی و امنیتی نیز بسیار مهم است. موارد مکرری وجود دارد که متحدان آمریکا، از جمله کره، از سیاست "اول آمریکا" که بر منافع خود متمرکز است، آسیب می بینند.<sup>۷</sup>

### اهمیت کشورهای مهم منطقه پاسیفیک برای ایالات متحده

روابط چین و آمریکا نمی تواند به گذشته بازگردد، اما می تواند آینده بهتری داشته باشد. تا زمانی که هر دو طرف یکدیگر را شریک بدانند، به یکدیگر احترام بگذارند، به طور مسالمت آمیز همزیستی کنند و برای نتایج برد-برد همکاری کنند، روابط چین و آمریکا بهتر خواهد شد. رئیس جمهور شی جین پینگ به طور جمعی با نمایندگانی از جامعه تجاری و دانشگاهی استراتژیک ایالات متحده در تالار بزرگ مردم در پکن دیدار کرد. رئیس جمهور شی جین پینگ با دقت به سخنان نمایندگان ایالات متحده گوش داد، به نگرانی های آنها پاسخ داد، چشم انداز توسعه و اهداف استراتژیک چین را عمیقاً توضیح داد و موضع و پیشنهاد چین در مورد توسعه روابط با ایالات متحده را به طور عمیق توضیح داد تا زمانی که هر دو طرف یکدیگر را شریک بدانند، با احترام متقابل، همزیستی مسالمت آمیز و همکاری برد-برد، روابط چین و آمریکا بهتر خواهد شد. این به طور کامل نشان می دهد که چین به عنوان یک کشور اصلی مسئول، اصرار دارد که آینده

<sup>7</sup>Denghua Zhang and Michael O'Keefe, "Pacific Islands Benefit from Geostrategic Competition", East Asia Forum, 9 July 2022.



بشریت و رفاه مردمش را در نظر داشته باشد و صمیمانه امیدوار است که روابط چین و آمریکا تثبیت و بهبود یابد و انرژی مثبت به صلح جهانی و توسعه تزریق کند. ایالات متحده به دقت چشم انداز توسعه و نیت استراتژیک چین را درک می کند و تشخیص می دهد که موفقیت های مربوط به چین و ایالات متحده فرصت هایی برای یکدیگر است که برای ارتقای توسعه پایدار، سالم و پایدار روابط چین و ایالات متحده بسیار مهم است. رئیس جمهور شی جین پینگ اشاره کرد که اقتصاد چین سالم و پایدار است. چشم انداز توسعه چین روشن است و ما اعتماد و اطمینان داریم. سال گذشته، نرخ رشد اقتصادی چین در میان اقتصادهای بزرگ جهان در میان بهترین ها قرار گرفت و سهم آن در رشد اقتصادی جهان همچنان از ۳۰ درصد فراتر رفت. توسعه چین برای رسیدن به جایگاه امروزی خود، مشکلات و چالش های مختلفی را پشت سر گذاشته است، زیرا در گذشته به دلیل «تئوری فروپاشی چین» فروپاشید و اکنون نیز به دلیل «تئوری اوج چین» به اوج خود نخواهد رسید. چین به ترویج توسعه با کیفیت بالا و مدرنیزاسیون به سبک چینی ادامه خواهد داد، که نه تنها به مردم چین اجازه می دهد تا زندگی بهتری داشته باشند، بلکه سهم بیشتری در توسعه پایدار جهان خواهد داشت. چین در حال برنامه ریزی و اجرای مجموعه ای از اقدامات عمده برای تعمیق اصلاحات جامع، ادامه ایجاد یک محیط کسب و کار درجه یک مبتنی بر بازار، قانونی و بین المللی و فراهم کردن فضای توسعه گسترده تر برای شرکت ها از سراسر جهان، از جمله شرکت های آمریکایی است.<sup>۸</sup>

همکاری برد-برد روند زمانه و پایه روابط چین و آمریکا است. چین از شرکت های آمریکایی برای مشارکت بیشتر در ساخت مشترک طرح کمر بند و جاده، شرکت در رویدادهای بزرگ اقتصادی و تجاری مانند نمایشگاه بین المللی واردات چین و ادامه سرمایه گذاری در چین، توسعه عمیق در چین و پیروزی در چین استقبال می کند. چین در مواجهه با شرایط جدید و تغییرات در روابط اقتصادی و تجاری چین و آمریکا در سال های اخیر، هر دو طرف باید به احترام متقابل، منافع متقابل، مشورت برابر، عمل بر اساس قوانین اقتصادی و قوانین بازار، گسترش و تعمیق سود متقابل اقتصادی پایبند باشند. و همکاری تجاری، به حقوق توسعه یکدیگر احترام بگذارند، و یک وضعیت برد-برد برای ایالات متحده و یک موقعیت برد-برد برای جهان را دنبال کنند. جهانی شدن اقتصادی ممکن است با بادهای مخالف مواجه شود، اما روند تاریخی تغییر نخواهد کرد. تفکر مخالف دوتایی در مورد باخت شما و برنده شدن من مدتهاست که منسوخ شده است. ایجاد مصنوعی موانع تکنولوژیکی و قطع زنجیره های صنعتی و تأمین تنها به تفرقه و تقابل منجر می شود.

### تأثیر مکانیسم "کوچک" آسیا-پاسیفیک ایالات متحده

ایالات متحده اعلام کرده است که ۱۰ سال آینده "دهه تعیین کننده" در رقابت بین چین و ایالات متحده خواهد بود و توجه بیشتری به جمع آوری منابع دیپلماتیک و نظامی در منطقه آسیا و اقیانوسیه دارد. از آنجایی که ایالات متحده به ترویج مکانیسم "خرد جانبی" در آسیا-اقیانوسیه ادامه می دهد، چین باید تأثیر پیچیده مکانیسم "مین جانبی" در آسیا-اقیانوسیه را از منظری وسیع تر و بلندمدت بررسی کند و بر بازی استراتژیک بین چین و ایالات متحده و دیپلماسی پیرامونی آن تسلط یابد.

اول، مکانیسم "چند جانبه" ایالات متحده در آسیا و اقیانوسیه ممکن است اعتماد استراتژیک بین چین و کشورهای همسایه را تضعیف کند و هزینه های سیاسی را برای چین برای مشارکت و هدایت امور منطقه ای افزایش دهد. ایالات متحده در تلاش است تا چین را از نظر ارزشی و ایدئولوژی منزوی کند و چین را "ویرانگر" نظم منطقه ای و "تهدیدی" برای امنیت منطقه می داند و از استراتژی "پیوند چین و روسیه" برای افزایش آگاهی استفاده می کند. "در سال ۲۰۲۲، آستین، وزیر دفاع ایالات متحده در گفتگوی شانگری لا در سنگاپور ادعا کرد که "کشورهای هند و اقیانوس آرام نباید با ارباب سیاسی، اجبار اقتصادی یا آزار نظامی مواجه شوند. اقدامات چین برای تهدید و تضعیف امنیت و ثبات کشور است. منطقه هند و اقیانوسیه." و شکوفایی، ایالات متحده از مکانیسم «کوچک» آسیا-اقیانوسیه برای شکل دادن و تحکیم برداشت متحدانش از چین استفاده می کند و با صدور بیانیه های مشترک و سایر ابزارها، نظرات منفی در مورد چین را در افکار عمومی بین المللی منتشر می کند. ایالات متحده با کمک مکانیسم های مختلف «چند جانبه»، موضوعاتی مانند جزایر دیاثیو، دریای چین جنوبی، تایوان و مرز چین و هند را در هم تنیده است و دائماً در میان متحدان خود در مورد «مقابله با چین» اجماع ایجاد کرده است.

<sup>8</sup> F. G. Hoffman, "Forward Partnership : A Sustainable American Strategy", Orbis, (Winter 2013).





منطقه آسیا-اقیانوسیه و ایجاد یک "قوس بی ثباتی" در مناطق اطراف چین. ایالات متحده امیدوار است با استفاده از مکانیسم "کوچک" آسیا-اقیانوسیه برای ایجاد یک موقعیت استراتژیک که در آن "جنگ ها در حال افزایش است" برای چین و دستیابی به اثرات "بسیج با شدت بالا" و "فشار پویا"، چین را در دوراهی قرار دهد. پاسخ ما باید کاملاً هوشیار باشیم که ایالات متحده توجه بیشتری به "چالش های امنیتی مدنی" مانند ماهیگیری غیرقانونی در مکانیسم "کوچک" آسیا-اقیانوسیه دارد اعمال "محدودیت سخت" علیه چین و افزایش "شهرت و هزینه های تصویر" چین، ایجاد موانع بیشتر برای چین برای مدیریت روابط با کشورهای همسایه و ارتقای همکاری های منطقه ای. با ادامه تقویت مکانیسم های «چندجانبه» مانند ایالات متحده، ژاپن، هند و استرالیا، ایالات متحده، ژاپن و استرالیا، و ایالات متحده، ژاپن و هند، فشار بر برخی از کشورهای کوچک و متوسط کشورهای منطقه آسیا و اقیانوسیه برای "انتخاب طرف" بین چین و ایالات متحده ممکن است افزایش یابد، که تأثیر منفی بر جامعه آسیا و اقیانوسیه با آینده مشترک خواهد داشت.<sup>۹</sup>

دوم، مکانیسم "کوچک" ایالات متحده در آسیا و اقیانوسیه، رقابت تسلیحاتی منطقه ای را تشدید خواهد کرد و فشار امنیتی نظامی چین را در مناطق اطراف افزایش می دهد. طبق آمار مؤسسه تحقیقات صلح بین المللی استکهلم (SIPRI)، هزینه های نظامی در آسیا و اقیانوسیه در سال ۲۰۲۱ معادل ۵۸۶.۹ میلیارد دلار آمریکا بود که ۳.۵ درصد افزایش داشت که از ۴۱۸ میلیارد دلار آمریکا و افزایش ۳ درصدی اروپا بیشتر شد. سازوکارهای "چند جانبه" آسیا-اقیانوسیه مانند ایالات متحده، ژاپن و استرالیا بر همکاری های نظامی و امنیتی کشورها در مدیریت درگیری های نظامی و جلوگیری از تشدید بحران های امنیتی تمرکز دارند.

بر اساس فریاد زدن برای "تهدید چین"، ایالات متحده به طور مداوم معماری همکاری امنیتی منطقه ای تحت رهبری ایالات متحده را از طریق مکانیسم هایی مانند ایالات متحده، ژاپن، استرالیا و ایالات متحده، ژاپن و کره جنوبی تقویت کرده است مکانیسم های "کوچک" بیشتر به سمت چین هدایت شده اند و اهانت آمیز و عملی هستند. به ویژه، تعمیق همکاری های نظامی و امنیتی سه جانبه بین ایالات متحده، ژاپن و کره جنوبی، وضعیت استراتژیک در شمال شرق آسیا را تغییر داده و تهدید جدیدی برای منافع امنیت ملی چین خواهد بود. ایالات متحده از طرح هایی مانند «ابتکار بازدارندگی اقیانوس آرام» به عنوان نقطه شروعی برای ترکیب عملیات دوجانبه با «مینجانبه» برای ارتقای توانمندی های «بازدارندگی انکار» خود علیه متحدان آمریکا مانند ژاپن، استرالیا و هند استفاده می کند توجه بیشتر به تقویت اطلاعات و قابلیت های رزمی هوشمند، ترویج عملیات مشترک چند دامنه ای خدمات و تسلیحات مختلف، تقویت قابلیت های آگاهی از وضعیت میدان نبرد و غیره. همکاری بین ایالات متحده، ژاپن، استرالیا، ایالات متحده، ژاپن، کره جنوبی، و ایالات متحده، ژاپن و هند در زمینه تبادل اطلاعات، برنامه ریزی عملیاتی و عملیات هماهنگ به ایالات متحده کمک می کند.

ثالثاً، مکانیسم "کوچک" آسیا-اقیانوسیه ایالات متحده ممکن است تأثیر خاصی بر نفوذ چین در زنجیره تولید، عرضه و نوآوری منطقه داشته باشد. این نوع سازوکار «چندجانبه» یک اردوگاه ترکیبی است که ایالات متحده تلاش می کند تا قدرت بین دولت و کسب و کارها، مؤسسات مالی، مؤسسات تحقیقاتی، سازمان های غیردولتی و رسانه ها را برای اعمال فشار بر چین به صورت یکپارچه یکپارچه کند. شیوه "رسمی - غیرنظامی" به ویژه در رقابت اقتصادی، تجاری و فناوری ایالات متحده با چین. ایالات متحده از مکانیسم هماهنگی سیاست امنیت اقتصادی در چارچوب ایالات متحده، ژاپن، هند و استرالیا، ایالات متحده، ژاپن، و استرالیا، و ایالات متحده، ژاپن و کره جنوبی استفاده می کند و بر این متکی است. چارچوب اقتصادی هند و اقیانوسیه «IPEF» برای جلب نظر کشورهای منطقه برای انجام «جداسازی هماهنگ» علیه چین و تضعیف نقش چین در تأثیرگذاری آسیا-اقیانوسیه در زنجیره های صنعتی و تأمین منطقه، روابط اقتصادی بین چین و متحدان آمریکایی آن را تضعیف می کند. دولت بایدن بر همکاری با متحدان برای ایجاد یک زنجیره تامین «متنوع، باز و قابل پیش بینی»، به ویژه در زمینه چپس، مواد خام و مواد معدنی کلیدی، و داروسازی متمرکز است. با حمایت ایالات متحده، ژاپن، هند و استرالیا اجرای «ابتکار تاب آوری زنجیره تامین» را با هدف پاسخ به استراتژی "برون سپاری ساحلی دوستانه" ایالات متحده و کاهش وابستگی اقتصادی به چین ترویج کرده اند. مکانیسم "کوچک" ایالات متحده آسیا-اقیانوسیه بر موضوعاتی مانند اقتصاد دیجیتال، امنیت سایبری، انرژی و توسعه زیرساخت ها تمرکز دارد و بر نیاز به ترویج "اتصال مسئولانه" و حمایت از ساخت "زیرساخت های با کیفیت بالا" که با اصولی مطابقت دارد، تأکید می کند. به طور خلاصه، تأثیر مکانیسم "کوچک" آسیا-اقیانوسیه ایالات متحده بر محیط استراتژیک اطراف

<sup>9</sup> Tuvalu Minister of Finance, Pacific Infrastructure Conference, Brisbane, 25–27 September 2023.



چین را نمی توان نادیده گرفت. در عین حال، باید از محدودیت های پیش روی ایالات متحده در ترویج سازوکار "خرد جانبی" در آسیا-اقیانوسیه آگاه بود و تفاوت ها و تضادهای بین ایالات متحده و متحدان آسیا-اقیانوسیه اش را به درستی درک کنیم. درک تهدیدات امنیتی، اهداف استراتژیک در قبال چین، و مطالبات برای منافع اقتصادی. تقویت سازوکار «خرد جانبی» آمریکا در آسیا و اقیانوسیه اساساً مستلزم کمک متحدانش به ایالات متحده در تقسیم مسئولیت ها است. ایالات متحده از ژاپن، کره جنوبی، استرالیا و سایر کشورها می خواهد که هزینه های نظامی خود را افزایش دهند، خرید تسلیحات آمریکایی را افزایش دهند و هزینه های بیشتری را برای استقرار نیروهای آمریکایی متحمل شوند. تحت تأثیر عمیق استراتژی «اول آمریکا»، فضای دولت ایالات متحده برای «امتیاز دادن» به شرکای ائتلاف خود حتی تنگ تر شده است و ارائه غرامت یا جایگزینی کافی برای شرکای اتحاد خود از نظر «جداسازی» دشوار است. زنجیره تامین از چین و جنگ سرد تکنولوژیکی علاوه بر این، درگیری های زیادی در میان متحدان ایالات متحده وجود دارد، برای مثال، بازی بین کره جنوبی و ژاپن بر سر مسائل تاریخی و سرزمینی ادامه خواهد یافت. چین باید ارتباطات راهبردی خود را با کشورهای منطقه آسیا و اقیانوسیه افزایش دهد، ساختار همکاری منطقه ای را با محوریت آسه آن حفظ کند، و به طور موثر با تأثیرات متفرق، اردوگاهی و مبتنی بر ناتو مکانیسم «کوچک» به رهبری ایالات متحده بر نظم منطقه ای مقابله کند.<sup>۱۰</sup>

### نتیجه گیری

منطقه پاسیفیک به منطقه بسیار وسیعی اطلاق می شود که از سواحل غربی ایالات متحده تا سواحل غربی هند امتداد دارد و از کل اقیانوس آرام و هند و کشورهای هم مرز با هر اقیانوس تشکیل شده است و همچنین ایالات متحده کشورهای کره، ژاپن و استرالیا، هند و غیره کشورهای کلیدی هستند و در نقاط متضاد چین، روسیه و کره شمالی قرار دارند. علاوه بر این، کشورهای جنوب شرقی آسیا و اقیانوسیه مانند ویتنام، تایلند، فیلیپین، اندونزی و نیوزیلند در اینجا گنجانده شده اند. به بیان دقیق، «منطقه پاسیفیک» مفهومی نیست که قبلاً وجود داشته است، بلکه یک تقسیم ژئوپلیتیکی و مفهومی است که به طور دلخواه توسط ایالات متحده برای اجرای استراتژی جهانی خود ترسیم شده است. ایالات متحده که از حدود قرن بیستم شروع به مداخله در امور بین المللی کرد. در دوران پس از جنگ سرد، شروع به تمرکز قدرت خود در منطقه جنوبی کرد که سرشار از انرژی و منابع طبیعی مانند نفت، گاز طبیعی و مواد معدنی است. با این حال، با گسترش چشمگیر نقش آسیای شرقی در اقتصاد بین الملل و افزایش سریع قدرت چین، مرکز ثقل استراتژی ایالات متحده به منطقه شرقی منتقل شد و حفظ هژمونی خود، تمرکز خود را به «منطقه آسیا و اقیانوسیه» تغییر داد و چندین بار اعلام کرد که «ایالات متحده یک کشور آسیا و اقیانوسیه است» و ایالات متحده یک کشور در منطقه است، تلاش هایی برای شناخته شدن این کشور در داخل و خارج از منطقه به عنوان یک کشور سازنده مناسب انجام شد. برای کنترل چین ضروری است و از سال ۲۰۱۷ بخشی از استراتژی جهانی ایالات متحده بوده است. "منطقه آسیا-اقیانوس آرام" به "منطقه هند و اقیانوس آرام" گسترش یافت/تغییر نام یافت و دولت فعلی بایدن ایالات متحده نیز پذیرفت. و این دسته بندی مجدد ژئوپلیتیکی را به ارث برده است. از این حیث، می توان گفت خاستگاه و هسته «منطقه هند و اقیانوس آرام» شرق آسیا است که حیاط و حوزه نفوذ چین بوده است، جایی که «نظم جهانی» با محوریت چین برای صدها سال تا زمان اول ادامه داشته است. نیمی از قرن ۱۹ با این حال، با شروع جدی پیشروی غرب به سمت آسیا، هژمونی موجود چین به شدت تضعیف شد و در نهایت ناپدید شد و آسیای شرقی دچار یک چشم انداز امنیتی آشفته شد که در آن قدرت های بزرگی مانند بریتانیا، روسیه، ژاپن و ایالات متحده به شدت بر سر آن رقابت کردند. ۱۰۰ سال تا اواسط قرن ۲۰ آشکار شد. پس از جنگ جهانی دوم، چشم انداز امنیتی شرق آسیا به یک نظم منطقه ای تحت سلطه ایالات متحده سازماندهی مجدد شد و ایالات متحده تا پایان قرن بیستم نفوذ زیادی داشت. با این حال، از آنجایی که قدرت ملی چین در قرن بیست و یکم به سرعت افزایش یافت و هژمونی منطقه ای آمریکا در معرض خطر قرار گرفت، ایالات متحده بارها دامنه و مفهوم ژئوپلیتیک آسیای شرقی را به «منطقه آسیا-اقیانوس آرام» و «منطقه هند و اقیانوس آرام» تغییر داد وضعیت گسترش و پاسخ به چالش های چین است.

<sup>10</sup>Denghua Zhang, "China's Influence and Local Perceptions: The Case of Pacific Island Countries", Australian Journal of International Affairs, Vol. 76, Iss. 5, 2022, pp. 575-595.



رویکرد و استراتژی ایالات متحده در قبال منطقه پاسیفیک ریشه‌های خود را به بنیان‌گذاران و استادان ژئوپلیتیک مدرن برمی‌گرداند: هالفورد جان مکیندر، آلفرد تایر ماهان، بیشتر آن را می‌توان در نظریه‌ها و استدلال‌های «نیکولاس جان اسپیکمن» یافت. ایالات متحده به هشدار مکیندر پاسخ داد که "مهمترین منطقه جهان قاره اوراسیا است و کشوری که قاره اوراسیا را اشغال کرده است بر جهان تسلط خواهد داشت" و اینکه "تامین یک قدرت دریایی قوی برای حفظ کشور هژمونی ضروری است. پس از پایان جنگ جهانی دوم، اولین هدف اتحاد جماهیر شوروی بود که در "قلب" قاره اوراسیا قرار داشت و پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی، چین هدف بعدی شد. با تشدید چالش چین با نظم تحت رهبری ایالات متحده و گسترش نفوذ چین در داخل و خارج از منطقه، ایالات متحده چین را به عنوان یک رقیب هژمونیک دیگر در نظر می‌گیرد و تمرکز سیاست چین خود را از «تعامل» به «شروع تعامل» تغییر می‌دهد.

ایالات متحده با استفاده از ناوگان بزرگ ناو هواپیمابر خود و پایگاه‌های هوایی ارتش ایالات متحده در گوام و اوکیناوا، برتری دریایی را بر غرب اقیانوس آرام تضمین کرده است و نقش پلیس دریایی را در منطقه هند و اقیانوس آرام ایفا کرده و به طور مستقیم و غیرمستقیم چین را بررسی می‌کند. با پیشروی به اقیانوس، اتحادیهایی با ژاپن، کره، تایلند، فیلیپین و استرالیا ایجاد کرده و با هند، سنگاپور، ویتنام و اندونزی روابط همکاری برقرار کرده است و تلاش‌هایی را برای محاصره و محدود کردن دامنه فعالیت‌های چی، یک رقیب هژمونی انجام داده است. امروزه چشم انداز امنیتی و پویایی منطقه پاسیفیک بر نظم منطقه‌ای به رهبری ایالات متحده و ظهور چین، رقابت و درگیری حاصله بین ایالات متحده و چین و اتحاد مشترک با کشورهای همسایه متمرکز است. البته در منطقه هند و اقیانوسیه علاوه بر مسائل امنیتی سنتی مانند تهدیدات نظامی و درگیری‌های مسلحانه، بلایایی مانند تغییرات آب و هوایی، بیماری‌های عفونی فراملی، بلایای بزرگ مانند زلزله، سیل و سونامی، مواد غذایی و منابع. بحران‌ها، تروریسم، حملات سایبری و بحران‌های جمعیتی و اجتماعی و غیره. مسائل امنیتی سنتی در همه جا وجود دارد. با این حال، مهمترین دستور کار برای امنیت در منطقه پاسیفیک، حفظ هژمونی منطقه‌ای ایالات متحده و چالش چین با آن، بین "کشورهای وضع موجود" به رهبری ایالات متحده و "شکن کننده‌های وضعیت موجود" با محوریت است. رویارویی و رویارویی چارچوب اساسی پویایی امنیتی در منطقه است. چین در چند دهه گذشته رشد اقتصادی مستمری را تجربه کرده است و به دومین اقتصاد بزرگ جهان پس از ایالات متحده تبدیل شده است و همچنین بر اساس قدرت اقتصادی قوی خود به توسعه سریع در بخش نظامی دست یافته است. اکنون، بر اساس قدرت ملی تقویت شده خود، چین در حال ریشه کن کردن «قرن تحقیر» است که با امضای معاهده نانجینگ (۱۸۴۲) آغاز شد و در حال بازسازی شکوه و جلال «جهان چینی» گذشته است "روای چینی" و قرن بیست و یکم را به "قرن چینی" تبدیل کرد، تا آنجا پیش رفت که رسماً از ایالات متحده درخواست کرد تا رابطه‌ای افقی در نام و واقعیت بین دو قدرت بزرگ، ایالات متحده و چین برقرار کند رسید.

ایالات متحده در حال مقابله با «منافع اصلی» ادعایی چین با «منافع ملی» است. ایالات متحده حفظ نظم موجود در منطقه هند و اقیانوس آرام و پاسخ به چالش‌های چین را بزرگترین وظایف خود می‌داند، از جمله "مدیریت روابط آمریکا و چین و تحت کنترل نگه داشتن چین"، "تثبیت تنگه تایوان و حفاظت از تایوان" "حفاظت از آزادی دریانوردی در دریای چین جنوبی" و "غیر اتمی کره شمالی"، "حفظ و تقویت اتحادهای منطقه‌ای" و "ایجاد نظم تجاری آزاد و عادلانه" به عنوان منافع ملی اصلی در منطقه تعیین شده است. اول، ایالات متحده بر مدیریت پایدار روابط ایالات متحده و چین و تحت کنترل نگه داشتن چین با استفاده از "تعامل" و "محاصره" به عنوان استراتژی علیه چین برای جلوگیری از ظهور چین از تضعیف هژمونی منطقه‌ای آمریکا متمرکز است تمرکز بر مدیریت پایدار روابط ایالات متحده و چین و تحت کنترل نگه داشتن چین به بهانه ایجاد ثبات در تنگه تایوان، یک مسیر اصلی حمل و نقل برای حمل و نقل کالا در سراسر جهان، و حل مسالمت آمیز مسئله تایوان، موضع چین این است که فعالانه مسدود کند. هر گونه محاصره تنگه تایوان یا حمله به تایوان، حتی با بسیج نیروی نظامی، ثالثاً، ایالات متحده حق آزادی دریانوردی در دریای چین جنوبی را دارد برای حل و فصل تهدیدات علیه خود و متحدانش و جلوگیری از گسترش سلاح‌های هسته‌ای در منطقه پنجم، ایالات متحده یک هژمون منطقه‌ای است، ما به حفظ و تقویت بیشتر اتحاد نظامی خود با چین ادامه خواهیم داد ششم، ایالات متحده به حفظ و تقویت بیشتر اتحاد نظامی خود با کره، ژاپن، و استرالیا ادامه خواهد داد برای حل کسری تجاری خود و حمایت از شرکت‌های داخلی به "تجارت آزاد و منصفانه". در نهایت، منافع ملی که ایالات متحده به دنبال حفظ آن است، تخریب نظم موجودی است که ایالات متحده در منطقه ایجاد کرده است.



کشورهای مختلف منطقه در نبرد حاد چالش و پاسخی که بین چین و ایالات متحده در جریان است، شرکت می کنند. قدرت هایی که با چالش چین در برابر هژمونی آمریکا همدردی می کنند روسیه و کره شمالی هستند. روسیه به منظور بازگرداندن و گسترش نفوذ خود در جامعه بین المللی، خواستار تبدیل سیستم تک قطبی کنونی ایالات متحده به یک سیستم چند قطبی است که در آن قدرت های مختلف حرفی برای گفتن دارند. بنابراین، چالش چین با نظم هژمونیک ایالات متحده فرصت بزرگی برای روسیه است تا «مردم را با شمشیر بکشد». روسیه با ایجاد یک مشارکت استراتژیک با چین از چالش های چین حمایت می کند. کره شمالی با یافتن ارزش استراتژیک خود و به رخ کشیدن آن در فضای بیرونی در میان رویارویی و درگیری بین ایالات متحده و چین، فضا را برای بقا تضمین می کند. کره شمالی معتقد است که با تشدید درگیری بین ایالات متحده و چین، اتحاد کره شمالی و چین تقویت خواهد شد و کانال های بیشتری برای خنثی کردن تحریم های جامعه بین المللی علیه کره شمالی در یک لحظه باز خواهد شد.

در رقابت آمریکا و چین، متحدان اصلی آمریکا شامل کره، ژاپن و استرالیا هستند و همکاری استراتژیک با هند نیز حائز اهمیت است. کره جنوبی، ژاپن و استرالیا همگی روابط اقتصادی نزدیکی با چین دارند، اما تقویت نظامی چین و تلاش برای به چالش کشیدن هژمونی باعث نگرانی عمیق این کشورها شده است. به ویژه ژاپن و استرالیا در حال تقویت اتحاد ضد چینی خود با ایالات متحده در مواجهه با رفتار تهاجمی چین در منطقه هستند. کره به عنوان پل ارتباطی در منطقه شرق اوراسیا، به عنوان بخشی از تداوم اتحاد ROK-US، در حال بسیج و مشارکت در کنترل چین است. اگرچه هند از یک خط دیپلماتیک مستقل متفاوت از ایالات متحده، مانند حفظ موضع بی طرف در جنگ اوکراین و روسیه، پیروی می کند، اما منافع مشترکی با ایالات متحده در جلوگیری از گسترش چین در جنوب غربی آسیا دارد. این به این دلیل است که هند که چندین اختلاف مرزی با چین را تجربه کرده است، باید مراقب گسترش چین باشد. علاوه بر اتحاد های دوجانبه مانند اتحاد ROK-ایالات متحده و اتحاد ایالات متحده و ژاپن، ایالات متحده دارای گفتگوی چهارجانبه امنیتی (QUAD) است که در آن ایالات متحده، ژاپن، استرالیا و هند مشارکت دارند، و معاهده امنیت اقیانوس آرام ایالات متحده، استرالیا و نیوزلند (ANZUS). استرالیا، نیوزیلند، پیمان امنیتی ایالات متحده و اتحاد مثلثی "AUKUS" (استرالیا، ایالات متحده آمریکا) که شامل ایالات متحده، استرالیا و بریتانیا در خارج از منطقه است تا چین را در این منطقه نگه دارد. در حال استفاده است.

## منابع

زارعی، بهادر، ۱۳۹۷، قرن بیست و یک قرن آسیا پاسیفیک. چاپ اول: انتشارات دانشگاه تهران.

1-Alexandre Dayant, Riley Duke, Gilliane De Gorostiza, and Roland Rajah, Pacific Aid Map 2023, Key Findings Report, (The Lowy Institute: Sydney, 2023).

2-Alfred T. Mahan, The Interest of America in Sea Power, Present and Future, (Sampson Low, Marston & Company, 1897).

3-John J. Mearsheimer, "The Gathering Storm : China's Challenge to US Power in Asia", *The Chinese Journal of International Politics*, Vol.3(2010).

4- Brzezinski, *The Grand Chessboard: American Primacy and Its Geostrategic Imperatives*, (Perseus Books Group, 1997), p.34.

5-Denghua Zhang and Michael O'Keefe, "Pacific Islands Benefit from Geostrategic Competition", East Asia Forum, 9 July 2022.

6-Halford J. Mackinder, Democratic Ideals and Reality: A Study in the Politics of Reconstruction, (Henry Holt and Company, 1919).

7-Meg Keen, "Infrastructure for Influence: Pacific Islands Building Spree", The Interpreter, 31 October 2023,

8-Nicholas J. Spykman, *America's Strategy in World Politics: The United States and the Balance of Power*, (Harcourt, Brace and Company, 1942).

9-Robert L. Carlin and Siegfried S. Hecker, "Is Kim Jong Un Preparing for War?", 38 North, (January 11, 2024).

10- Richard Herr, "Regionalism, Strategic Denial, and South Pacific Security", *The Journal of Pacific History*, Vol. 21, No. 4 (1986), pp. 170–82.

11- The White House, *National Security Strategy* (Washington, D.C.: The White House, 022); The White House, *Indo-Pacific Strategy of the United States* (Washington, D.C.: The White House, 2022).

12 The White House, National Security Strategy (Washington, D.C.: The White House, 2022); The White House, Indo-Pacific Strategy of the United States (Washington, D.C.: The White House, 2022)

13-The White House, Indo-Pacific Strategy of the United States, (February 2022).

## Advantage measurement of the regional powers of the Pacific area and their importance for the United States of America

Aida Javadi Yajlo

Master's student of Tehran University

### Abstract

In order to promote strategic competition with China, the United States has strongly developed issue-oriented "coin-lateral" mechanisms in the Asia-Pacific region, such as the US-Japan-India-Australia Quadrilateral Mechanism, the US-UK-Australia Tripartite Security Partnership, and US-Japan-South Korea trilateral cooperation awaits. This type of mechanism is highly targeted, cross-scoped and scalable, the US is trying to build a multi-level, networked and nested partner structure to implement camp-based confrontation and combined containment against China. The United States also tries to use this to shape the perception of China by the relevant countries, integrate the strategies of all parties towards China, promote the realization of multiple policy goals such as security deterrence, supply chain reshaping, technological competition, ideological suppression, etc. And it also affects the security and development environment of the Asia Pacific region, as well as the impact of China's influence on the industrial chain and innovation of the region. Considering this issue, China should increase its strategic communication with the countries of the Asia-Pacific region, maintain the structure of regional cooperation centered on ASEAN, and effectively deal with scattered, camp-like and NATO influences such as US-led forces. The "small" mechanism is proposed in the regional order.

**Keywords:** Indo-Pacific strategy, China-US relations, China's neighborhood diplomacy.